

عوامل و موانع تربیت دینی از دیدگاه نهج البلاغه

زهره سجادی^۱

شان زهره میرزا^۲

چکیده

نهج البلاغه کتابی تربیتی است که تصریح و تأکید فراوان بر تربیت دینی بشر دارد. در اهمیت و ضرورت این موضوع همین بس که امام علی علیه السلام به عنوان انسان الهی تبیین‌کننده مباحث تربیت دینی است. رجوع به نهج البلاغه می‌تواند انسان را به سوی رشد، تکامل و سعادت حقیقی در دنیا و آخرت و هدف نهایی بندگی که رسیدن به مقام قرب الهی و مهم‌ترین ثمرات تربیت دینی است، برساند. این تحقیق با رویکرد تربیتی و اخلاقی انجام گرفته و هدف آن بیان عوامل رسیدن به تربیت دینی و موانع آن از دیدگاه نهج البلاغه است. یافته‌ها نشان از آن دارد که نهج البلاغه در سه ساحت فردی، خانوادگی و اجتماعی عوامل تربیت و موانع آن را بیان کرده است. از دیدگاه نهج البلاغه مهم‌ترین عوامل تربیت دینی که بر همه موارد تربیت دینی غلبه دارد خواست فرد، ایمان و اراده او است که می‌تواند راه شقاوت یا سعادت را انتخاب کند. دنیا و دلبستگی به آن و ترک امریه معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین موانع تربیت دینی به شمار می‌رود. البته امیرالمؤمنین علیه السلام موانع فردی، اجتماعی، اقتصادی، حاکم و حکومت را نیز در امر تربیت و موانع آن دخیل دانسته است.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، تربیت، دین، تربیت دینی، موانع تربیت، شاخصه‌های

تربیت.

۱. پژوهشگر و عضو انجمن مطالعات زنان و خانواده جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه خراسان

۲. دانش‌پژوه کارشناسی علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه خراسان

مقدمه

جوامع امروزی با همه پیشرفت‌ها در علم و تکنولوژی، به دلیل انحرافات اخلاقی و تربیتی که ثمرهٔ عدم وجود یک نظام صحیح تعلیم و تربیتی است، گرفتار بحران‌ها و نابسامانی‌های فراوانی هستند. به نظر می‌رسد ریشهٔ این بحران‌ها نداشتن یک جهان‌بینی صحیح و دیدگاه درست دربارهٔ خدا، جهان، انسان، تعلیم و تربیت و نیز عدم آشنایی با ساختار وجودی انسان است که در صحنه‌های فردی و اجتماعی زندگی بشر سبب هلاکت و دین‌گریزی شده، امروزه بشر برای نجات از بحران پیش از هر زمان دیگر، نیازمند شناخت مبانی و افکار درستی از نگاه انسان‌های الهی و راه‌های عملی ایشان است.

با همین هدف است که اسلام مبانی تربیتی خود را بر اساس اعتقاد و ایمان به خداوند یکتا استوار نموده و «لا اله الا الله» را شعار اعتقادی و تربیت خود قرار داده و همه را بر محور خدای یکتا گردآورده است؛ و شریعت اسلام الگوی کاملی را برای تربیت انسانیت پیشنهاد می‌کند که هدف آن پرورش انسان‌های صالح، درستکار، مؤمن و متقی است.

امروزه بیش از هر زمان ضرورت دارد که قرآن و سنت و کلام انبیاء و اولیای الهی که منبع اصلی و برنامه تربیت دینی در بین مسلمانان است در تمام افعال، عادات کلی و جزئی آنان ظاهر و آشکار شود. متأسفانه مسلمانان در برابر نیرنگ‌های استعمار گران، از شعار توحیدی «لا اله الا الله» و برنامه حیات‌بخش قرآن فاصله گرفته‌اند، تربیت اسلامی بیش از پیش مورد غفلت قرار گرفته و قرآن از برنامه، زندگی مردم جدا شده است. هجوم فرهنگ‌های بیگانه به اسلام چنان هویت فرهنگی مردم مسلمان را مانند سایر کشورهای جهان سوم از آن‌ها گرفته که احساس حقارت نمودند و یک‌سره خود را باخته و تسلیم محض شدند.

پژوهش حاضر از کتاب شریف «نهج‌البلاغه» که برگرفته کلام انسان الهی است و به عنوان منبع دوم دین پس از قرآن شمرده می‌شود، با موضوع «تربیت

دینی از دیدگاه نهج البلاغه» گردآوری شده و به بررسی عوامل و موانع تربیت دینی پرداخته است.

۱. مفهوم‌شناسی

«تربیت» از ماده «رب» به معنای مالک خالق، صاحب مدبر، مربی، قیم، سرور و منعم است؛ و اصلاح‌کننده هر چیز را «رب» گویند. (ابن فارس، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۸۱)

راغب اصفهانی «رب» را چنین معنا کرده است: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَةُ وَ هُوَ إِنْشَاءُ شَيْءٍ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ». (راغب اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۸۴) «رب» در اصل به معنای تربیت و پرورش است و تربیت عبارت است از ایجاد کردن حالتی پس از حالت دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تام و کمال خود برسد.

در اصطلاح نیز «تربیت» به معنای پرورش دادن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن است. از این رو تربیت در مورد جانداران یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است. (مطهری، ۱۳۸۴: ۵۶) تعریف دیگری نیز از این واژه ارائه شده است که به تعریف اول نزدیک است و آن عبارت است از رفع موانع ایجاد مقتضات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۴) پس در تربیت تزکیه، تهذیب نفهته است. (معلوف: ۲۷۱)

نهج البلاغه نیز تربیت را از ریشه «ربو» به معنای زیادت و فرونی و رشد و برآمدن گرفته است و به همین معنا در سخنان امام علی علیه السلام نیز وارد شده که آن حضرت در ستایش انصار، آنان را پروراننده و رشد دهنده اسلام معرفی کرده و فرموده است: «به خدا آنان اسلام را پروراندند، چنانکه کره از شیر گرفته می‌شود». ^۱(نهج البلاغه، حکمت ۴۵۷) در بحث تربیت انسان، مفهوم و واژه تربیت

۱. هُم وَاللَّهُ رَبُّوْاَ الْإِسْلَامَ كَمَا رَبَّيَ الْفُلُوْءُ مَعَ غَنَائِهِمْ، بِأَيْدِهِمْ أَسْبَاطُ وَأَلْسِنَتُهُمْ أَسْبَاطُ.

بر پرورش استعداد‌های انسان یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعداد‌های آدمی دلالت می‌کند.

۲. تربیت دینی

تربیت دینی ساماندهی و تنظیم همه روابط متنوع انسان بر اساس ضوابط و نگرش‌های دینی می‌باشد. در تعریف تربیت دینی آمده است:

تربیت دینی به مفهوم جنبه‌ای از فرآیند تعلیم و تربیت ناظر به پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عملی‌متربی از لحاظ التزام به دین معین و به عبارت دیگر، رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و آداب دین را برای تحقق شخصیتی متدین مورد نظر دارد. (باقری، ۱۳۸۰: ۷)

«تربیت دینی» فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگی با فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد. (احسانی، ۱۳۸۷: ۱۷) منظور از تربیت دینی در این تحقیق، فراهم کردن عوامل شکوفا شدن توانایی‌های ذاتی و فطری فرد در شناخت و ایمان و عمل است؛ و بر طرف کردن موانع شکوفا شدن توانایی‌های ذاتی و فطری به گونه‌ای که وی با اراده و اختیار خود در مسیر رشد و بالندگی روحی و معنوی گام بردارد و به سعادت ابدی، یعنی قرب پروردگار برسد. بعد از بررسی لغتی و اصطلاحی مفهوم تربیت و تربیت دینی حال به مهم‌ترین عوامل تربیت دینی و موانع آن از دیدگاه نهج‌البلاغه اشاره می‌شود.

۳. عوامل فردی تربیت دینی

۳.۱. ایمان

«إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لُمُظَةً فِي الْقَلْبِ كُلَّمَا ازْدَادَ الْإِيمَانُ ازْدَادَتِ اللَّمُظَةُ؛ ایمان در دل آدمی چون نقطه‌ای سفید پدید می‌شود و هر چه بر ایمان افزوده می‌شود آن نقطه هم فزونی گیرد».

«الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ؛ ایمان، شناخت با دل است». (حکمت ۲۲۷)



- «لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ؛ إِيْمَانُ بِنْدَةِ اسْتَوَارِ نَغْرَدَدِ تَا دَلْ أَوْ اسْتَوَارِ نَشُوْد.» (خطبه ۱۷۶)

ایمان، پایه دین و اساس همه جوانب و ابعاد زندگی فرد و سبب رشد و تکامل فردی است، اما چه بسا امانت الهی که در سایه بی توجهی اولیای کودک به جنبه‌های عقیدتی و مذهبی لکه‌دار می‌شوند و یا افرادی را می‌بینیم که می‌توانند در آینده‌ای نزدیک اعضایی مفید به حال خود و جامعه‌شان باشد، ولی افرادی می‌شوند خائن، هرزه و بی‌بندوبار که لطمه آن پیش از هر کس متوجه خودشان می‌شود. تربیت دینی کتتری برای اخلاق، ضابطه‌ای برای حیات فردی و اجتماعی و برای رشد و آرمان‌گرای است.

۲.۳. خودشناسی

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ.» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۲: ۳۸۳) مقدرات انسان قبل از هر چیز و هر کس در دست خود انسان است و هرگونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی مردمان در درجه نخست به خود ایشان برمی‌گردد. قضای الهی چنین است که آنچه به انسان می‌رسد، به خود انسان بازگشت می‌کند و نتیجه، محصول، اراده عملکرد خود اوست، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ همانا خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا حال خود را تغییر دهند. بر اساس قرآن سنت خداوند هدایت و راهنمایی انسان است، اما انتخاب راست و قدم نهادن در آن با انتخاب راه باطل و پیمودن آن بر عهده خود انسان است. (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۷: ۱۳۹) تا وقتی فرد خود را نشناسد و از استعدادهایی که در باطن او است، آگاه نباشد به دنبال آن نمی‌رود و سختی‌ها را تحمل نمی‌کند و برای این استعدادهایی مهم هیچ تلاشی و کوششی نیز نمی‌کند و بالطبع در مسیر ضلالت و گمراهی قرار می‌گیرد؛ به دلیل این شناخت خود لازم است برای تربیت دینی و سعادت خود، باید خود را بشناسد و بداند که سعادت ابدی او در کجا است و از چه باید دوری کند.

مسئله خودشناسی آن قدر مهم است که امیرالمؤمنین علیه السلام فردی را که در مقام خودشناسی است ستوده و می‌فرماید: «رَحِمَ اللهُ امرءً عَرَفَ قَدْرَهُ وَكَمْ يَتَعَدَّى طَوْرَهُ؛ خدا مشمول رحمت قرار دهد کسی را که اندازه و قدرش را بشناسد و قدم را از مرز فراتر نهد» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۲۳۳) و فرموده‌اند: «رَحِمَ اللهُ امرءً لِنَفْسِهِ وَاسْتَعَدَّ يَرْمِسِهِ وَعَلِمَ مِنْ إِيْنِ وَفِي إِيْنِ وَالى إِيْنِ؛ خدا رحمت کند کسی را که عوامل سعادت ابدی خود را فراهم می‌کند، برای زندگی عالم بعد مهیا می‌شود و رحمت خدا باد بر انسانی که بداند از کجا آمده و در کجا آمده و به کجا خواهد رفت». خودشناسی در فرد اثری می‌گذارد که فرد خودبه‌خود به تربیت دینی خود مایل می‌شود و نفس خویش را شناخته و تقویتش می‌کند و فضائل و مکارم در او زنده می‌شود و از رذایل بیزار می‌گردد.

۳.۳. خداشناسی

مهم‌ترین و اولین بخش مباحث عقیدتی در جهان‌بینی اسلامی و تربیت، بحث خداشناسی و توحید می‌باشد که امام علی علیه السلام در نخستین خطبه نهج‌البلاغه به آن اشاره کرده است: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ؛ سرآغاز دین، معرفت و شناخت خداست». (خطبه ۱) بدون شک دین در اینجا به معنی مجموعه عقاید و وظایف الهی و اعمال و اخلاق است و روشن است که سرآغاز این مجموعه و پایه اصلی آن «معرفه الله» می‌باشد، بنابراین شناخت خدا هم گام اول است و هم پایه اصلی برای تمام اصول و فروع دین که بدون آن، این درخت پر بار هرگز به ثمر نمی‌نشیند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۵)

۳.۴. عبادت

یکی از عوامل فردی تربیت دینی، عبادت و بندگی خداوند است که فرد را به معراج می‌رساند. «عبادت» به معنی اظهار بندگی و نیاز در پیشگاه خداوند تعالی و بیان خواست‌ها و تقاضای تکامل از درگاهش و تقدیس ذات مقدس اوست؛ و در لغت به معنای افتادگی و ذلت است و به همین دلیل برای غیر خدا پسندیده نیست. (طریحی، بی‌تا، ج ۳: ۹۲) در اصطلاح به معنای مراقبت بر افعال

و عواملی است که خداوند فرمان داده است. (همان: ۹۵) تلقی افراد از عبادت یکسان نیست، از نظر برخی عبادت نوعی معامله و معاوضه است. تلقی دیگر از «عبادت»، تلقی عارفانه است برحسب این تلقی، عبادت نردبان قرب است؛ معراج انسان و تعالی روان او است. تلقی نهج البلاغه از عبادت تلقی عارفانه است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ؛ همانند گروهی، خداوند را به انگیزه‌ای پاداش می‌پرستند و این عبادت تجارت‌پیشگان است و گروهی، خداوند را از ترس می‌پرستند این عبادت برده‌صفهان است. گروهی او را برای آنکه او را سپاسگزاری کرده باشند، می‌پرستند، این عبادت آزادگانه است». (حکمت ۲۲۹) من تو را به خاطر بیم از کيفرت و یا به خاطر طمع از بهشت پرستش نکرده‌ام من تو را بدان جهت پرستش کردم که شایسته پرستش یافتم.

مشغول بودن به عبادت خدا فرد را به‌صفت ملائکه می‌رساند، شیفته و شیدای خدا می‌سازد که امام علی علیه السلام در صفت فرشتگان همین بیان را روشن کردند: «قَدِ اسْتَفْرَعَتْهُمْ أَشْغَالُ عِبَادَتِهِ وَ وَسَلَّتْ حَقَائِقُ الْإِيمَانِ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَ قَطَعَهُمُ الْإِيْقَانُ بِهِ إِلَى الْوَالِهِ إِلَيْهِ وَ لَمْ تُجَاوِزْ رَغْبَاتُهُمْ مَا عِنْدَهُ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِهِ قَدْ ذَاقُوا حَلَاوَةَ مَعْرِفَتِهِ؛ اشتغال به عبادت خدا آنان را از هر کار دیگری بازداشته و حقایق ایمان میان آنان و معرفت خداوند پیوند داده، یقین به او آنان را از ماسوی جدا کرده و شیفته و شیدای او ساخته و تمایلشان به آنچه نزد خداست تعلق گرفته و به آنچه نزد غیر اوست نرسیده، شیرینی معرفت حق را چشیده‌اند».

هدف نهایی زندگی انسان، عبادت است؛ عبادت و بندگی در برابر پروردگار متعال، مایه پرهیزگاری و تقرب به ذات اقدس الهی است قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾؛ ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را آفریده بپرستید، شاید با تقوا شوید». (بقره: ۲۱)

۳.۵. معاد باوری

یکی از اثرگذارترین عوامل تربیت دینی فردی، معاد باوری است که انسان را از گناه و فساد حفاظت می‌کند و او را به جهان ابدی متوجه می‌کند و حُبِّ دنیا را در او کاهش می‌دهد. خواهش‌های نفسانی او را معتدل می‌کند. اصولاً انسان‌ها از مرگ می‌هراسند و این هراس بیشتر به سبب انکار مبدأ و معاد، علاقه شدید به دنیا، گناهگار بودن، جهل به عاقبت است و امام علی علیه السلام در این مورد اظهار نظر می‌کند که اصلاً چنین صفتی نداشته، بلکه می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَ عَمِلَ لِلْحِسَابِ وَ قَبِعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ؛ خوشا به حال کسی که در یاد معاد است و برای حساب روز قیامت کار کند و به کفاف معیشت قناعت دارد و از خدا راضی و خشنود است». (حکمت ۴۴)

۳.۵.۱. ضرورت یاد مرگ

امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام وصیتی می‌فرمودند:

- «يَا بَنِي أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَ تُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيكَ وَ قَدْ أَخَذَتْ مِنْهُ حِذْرَكَ وَ شَدَدَتْ لَهُ أَرْزُوكَ وَ لَا يَأْتِيكَ بَعْتَهُ فَيَبْهَرَكَ؛ پسر! مرگ را فراوان یاد کن و موقعیتی را که ناگهان در آن قرار می‌گیری و پس از مرگ به آن می‌رسی تا چون مرگ به سراغت آمد برای آن مهیا باشی و کمرخود را بسته باشی، نه آنکه مرگ ناگهان به سراغت آید و تو را مغلوب سازد». (نامه ۳۱)

- «وَ اعْلَمْ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ؛ پسر! بدان که تو برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا، برای فنا آمده‌ای نه برای بقا و برای مرگ خلق شده‌ای نه برای حیات». (همان)

- «أَلَا فَادْكُرُوا هَادِمَ اللَّذَاتِ وَ مَنْعُصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمِّيَّاتِ عِنْدَ الْمُسَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ؛ آگاه باشید! نابود کننده لذت‌ها و برهم زننده کامیابی‌ها و از بین برنده آرزوها «مرگ» را به یاد آورید، در هنگامی که تصمیم بر انجام کار زشتی دارید». (خطبه، ۹۸)

- «إِنَّ لِلَّهِ مَلَكَاً يُنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ لِدَوِّ لِلْمَوْتِ، وَاجْمَعُوا لِلْفَنَاءِ، وَابْتُوا لِلْخَرَابِ؛ خدا را فرشته‌ای است که هر روز بانگ میزند، بزیاید برای مردن و فراهم آورید برای نابود شدن و بسازید برای ویران گشتن». (حکمت ۱۲۷)

ارزش آمادگی برای مرگ اگر انسان برای مرگ آماده باشد، هیچ‌گاه از آن نخواهد ترسید و بدین گونه خود را نیز از گناهان حفظ خواهد کرد. امام علی علیه السلام فرمودند: «وَبَادِرُوا الْمَوْتَ وَغَمَرَاتِهِ، وَأَمْهَدُوا وَالَّهُ قَبْلَ خُلُوبِهِ وَأَعِدُّوا وَالَّهُ قَبْلَ نُزُولِهِ! فَإِنَّ الْغَابَةَ الْقِيَامَةُ، وَكَفَى بِذَلِكَ وَعِظاً لِمَنْ عَقَلَ، وَمُعْتَبِراً لِمَنْ جَهَلَ؛ خود را برای مرگ و پیشامدهای آن آماده کنید. بیش از آنچه لازم است مهیا سازید؛ چه اینکه مرگ پایانه زندگی دنیا و آغاز قیامت است و این مرگ برای خردمندان پند و اندرز و برای ناآگاهان درس عبرت است». (خطبه ۱۹۰)

۳.۵.۲. ضرورت آخرت‌گرایی

امام علی علیه السلام با اشاره به اهمیت آخرت‌گرایی می‌فرماید: «وَلِكُلِّ مِنْهَا بَنُونَ، فَكُونُوا أَمِنَ ابْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِمَّنْ ابْنَاءِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ كُلَّ وَوَلَدٍ سَبَّلَحَقُّ بِأَبِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ وَلَا غَدَاً حِسَابٌ، وَلَا عَمَلٌ؛ هر کدام از دنیا و آخرت فرزندان دارند؛ بکوشید از فرزندان آخرت باشید نه دنیا که در قیامت هر فرزندی به پدرش ملحق می‌شود؛ هم‌اکنون هنگام عمل است، نه حساب، و فردای قیامت وقت حساب است نه عمل». (خطبه ۴۲)

امام علی علیه السلام ضمن سفارش به آخرت‌گرایی می‌فرمایند: «فَإِنَّ الْمَرْءَ قَدْ يَسُرُّهُ دَرَكٌ مَا لَمْ يَكُنْ لِيَقُوتَهُ وَيَسُوؤُهُ فَوْتُ مَا لَمْ يَكُنْ لِيُدْرِكَهُ فَلْيَكُنْ سُرُورَكَ بِمَا نِلْتَ مِنْ آخِرَتِكَ وَ لِيَكُنْ أَسْفَكَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنْهَا وَ مَا نِلْتَ مِنْ دُنْيَاكَ فَلَا تُكْثِرْ بِهِ فَرَحاً وَ مَا فَاتَكَ مِنْهَا فَلَا تَأْسَ عَلَيْهِ جَزَعاً وَ لِيَكُنْ هَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ؛ انسان را گاهی دست یافتن به چیزی که برایش مقدر بوده شادمان می‌کند و گاه از دست دادن چیزی که رسیدن به آن برایش مقدر نبوده اندوهگین می‌سازد. پس باید به خاطر آنچه از آخرت به آن رسیده‌ای شادمانی کنی و به خاطر آنچه از آخرت از دست داده‌ای، اندوهگین شوی. به آنچه از دنیا به آن می‌رسی چندان

شادی مکن و به آنچه از دنیا از دست می‌دهی، چندان غمگین مشو و باید تلاشت برای پس از مرگ باشد». (نامه ۲۲)

۳. ۶. کار

یکی از عوامل بسیار ساده که شاید کمتر به آن توجه می‌شود، عامل کار است. کار از هر عامل دیگری اگر سازنده‌تر نباشد، نقشش در سازندگی کمتر نیست. تربیت بر کار مقدم است و هم کار بر تربیت؛ یعنی این دو هم علت یکدیگر هستند و هم معلول یکدیگر؛ هم انسان سازنده و خالق و آفریننده کار خوش است و هم کار (نوع کار) خالق و آفریننده روح و چگونگی انسان است که خداوند در قرآن کریم با این بیان به آن اشاره کرده است که: ﴿يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾؛ ای انسان! با هر رنج و مشقت در راه اطاعت و عبادت بکوشی، عاقبت به ملاقات او نائل می‌شوی. (انشقاق: ۶) و در جای دیگر می‌فرماید:

- ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا﴾؛ پس هرکس به لقای او امیدوار است باید نیکوکار شود. (کهف: ۱۱۰)

- ﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ﴾؛ چیزی به انسان نمی‌رسد مگر نتیجه تلاش خودش و نتیجه تلاش خودش را به زودی خواهد دید. (نجم: ۳۹ و ۴۰)

کار و تلاش چنان سازنده است که اهل ایمان پیوسته در کار و تلاش‌اند و از وجود گوناگون آن در جهت کمال خود و جامعه سود می‌برند که امام علی علیه السلام در وصف اهل ایمان فرموده‌اند: «الْمُؤْمِنُ مَشْغُولٌ وَقْتُهُ؛ وقت مؤمن پر است و مؤمن هیچ‌گاه بیکار نیست». (حکمت ۳۳) و فرموده‌اند: «فِي كُلِّ وَقْتٍ عَمَلٌ؛ در هر وقتی باید کاری کرد». (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۴: ۳۹)

انسان همان‌طور که از وراثت تأثیر می‌گیرد، از کار و تلاش نیز تأثیر می‌پذیرد و همان‌طور که وراثت نیکو، سبب توفیق تربیتی انسان می‌شود، کار نیز چنین نقشی ایفا می‌کند. به بیان امام علی علیه السلام: «النَّاسُ أَبْنَاءُ مَا يُحْسِنُونَ؛ مردمان فرزندان

تخصّص‌های خویش‌اند». (خوانساری، همان، ج ۱: ۳۰۹) یعنی همان‌گونه که انسان‌ها با پدران خویش نسبت دارند و قدر و منزلت پدران شناخته می‌شوند و قدر و منزلت می‌یابند، مردم می‌گویند فلانی پسر فلانی است؛ همین‌گونه هم اشخاص به کار، مهارت و تخصص خود نسبت داده می‌شوند و قدر و منزلت اجتماعی کسب می‌کنند (حلیمی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۴۴۰)، البته آنچه در کار کردن مبنا و اساس است و تأثیر تربیتی کار بدان بسته است، کار مفید و توأم با پاکی و پاک‌دامنی و حلال‌جویی است. امام علی علیه السلام فرمودند: «الْشَّاحِصُّ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ جوینده روزی حلال همانند مجاهد در راه خدا است». (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۱۳)

همین مطلب را امام علی علیه السلام در نامه تربیتی خود به فرزندش حسن علیه السلام یادآور شده است و می‌فرمودند: «وَ الْجِرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ؛ کار همراه با پاک‌دامنی به مراتب از توانگری همراه با مرزشکنی و هرزگی ارزشمندتر و بهتر است». (نامه ۳۱) و نیز می‌فرمودند: «مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتِلَىٰ بِالْهَمِّ؛ آنکه در کار کوتاهی ورزید، دچار اندوه گردید». (حکمت ۱۲۷)

کار، تمرکز قوه خیال است و اگر فردی خیال خودش را در اختیار نگیرد، این امر از چیزهایی است که فرد را فاسد می‌کند. یعنی انسان نیاز به تمرکز قوه خیال دارد و اگر قوه خیال آزاد باشد، منشأ فساد اخلاق انسان می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «الْأَنْفُسُ إِنْ لَمْ تَشْغَلْهُ شَغْلَكَ؛ اگر تو نفس را به کاری مشغول نکنی او تو را به خودش مشغول می‌کند». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۷۲)

بنابراین کار از جمله عوامل تربیتی است که در شکل‌دادن شخصیت انسان بسیار مؤثر است و از جهات مختلف تربیتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در شاکله تربیتی انسان نقش دارد و در تمام وجود شخصیت آدمی اعم از جسمانی و عاطفی و اخلاقی و عقلانی تأثیر می‌گذارد. لذت بردن از زندگی و سیر به سوی تعالی در پرتو کار و کوشش سالم و پاک و مفید و سازنده است و این لذت خود امری کاملاً تربیتی و بستر شکوفایی استعدادهای کمالی انسان است.

امام علی علیه السلام در ضمن حکمتی والا فرموده است: «طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ وَ طَابَ كَسْبُهُ؛ خوشا آن که خود را خوار نکرد، و کسبی پاکیزه داشته باشد». (حکمت ۱۲۳)

کار، در ساختن فرد و اجتماع بسیار مهم است و پیشرفت هر ملت وابسته به آن است؛ بنابراین لازم است که برای آن برنامه‌ریزی شود و آموختن و وارد کردن آن را در ذهن همه، در برنامه‌های تعلیمی و تربیتی نوجوانان بگنجانید تا چنان شود که آنان دوستدار کار بار آیند و وجودشان با کار و عشق به کار کردن جوش بخورد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ يَمْعَلْ يَزِدُّ قُوَّةً وَ مَنْ يُقْصِرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْ دَفْتَرَةً؛ هر که کار کند، قوی‌تر شود و هر که کمتر کار کند، سست‌تر شود». (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵: ۲۰۴)

۴. عوامل خانوادگی تربیت دینی

از دیدگاه بزرگ مربی انسانیت امام علی علیه السلام والدین وظیفه‌ای بس خطیر در تربیت فرزند دارند، به‌گونه‌ای که می‌فرمایند: «من از خداوند خویش طلب فرزندان زیبا چهره و نیکو قامت ننموده‌ام، بلکه از پروردگارم خواسته‌ام تا فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا اینکه وقتی با این صفات به آن‌ها نظر افکنم، مایه چشم‌روشنی من باشند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴: ۹۸)

۴.۱. انتخاب همسر

انتخاب همسر مهم‌ترین عامل، برای تربیت دینی فرزندان است، به همین دلیل در انتخاب همسر باید نهایت دقت را به عمل آورد، چرا که همسر انسان علاوه بر اینکه شریک یک عمر زندگی فرد قرار می‌گیرد، در آینده به عنوان پدر یا مادر فرزندان هم محسوب می‌شود، لذا باید ملاک و معیار شایستگی و صلاحیت را باید آموخت و بر اساس آن همسر دلخواه خویش را انتخاب نمود. (پاک‌نیا، ۱۳۸۲: ۴۰) در روایتی آمده است مردی به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید و درباره ازدواج، با ایشان مشورت کرد، حضرت فرمودند: «أَنْكِحْ وَعَلَيْكَ بِذَاتِ

الدِّین؛ ازدواج کن، ولی بر تو باد که با زن دین‌دار و با ایمان ازدواج کنی». (حرعاملی، ج ۱۴: ۳۰)

۲.۴. اهمیت شیر مادر

شیر مادر و غذای حلال عوامل مهم تربیت دینی فرزندان انسان به حساب می‌آید. امام علی علیه السلام در اهمیت شیردادن می‌فرماید: «الرَّضَاعُ بَغَيْرَ وَ الطَّبَاعُ؛ شیر سرنوشت آدمی را دگرگون می‌سازد». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۳۲۳)

همچنین فرمودند از زنان کودن و نادان برای فرزندان طلب شیر نکید، زیرا شیر بر سرنوشت غلبه می‌کند؛ پس مواظب باشید که فرزندان انسان از هرکسی شیر نخورد و غذای هرکس را به او ندهید، زیرا اثرات شیر، غذا و لقمه حلال و حرام در فرزندان دگرگونی روحی روانی ایجاد می‌کند. باید برای شیرخواری فرزندان زن با ایمان و دین‌دار را انتخاب بکنید. (احسانی، ۱۳۸۷: ۵۰)

۳.۴. لقمه حلال

کسب روزی حلال و روزی حرام‌خواری نقش به‌سزایی در پاکیزگی نسل و تربیت فرزند دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا تُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لُعَقَ الْحَرَامِ؛ شکم خویش را با لقمه‌های حرام پر نکنید» (خطبه ۱۵۱)؛ و بی‌شک، هنگام سلطه ظالمان و بروز فتنه‌ها و انحراف‌ها، اموال حرام در دست مردم زیاد می‌شود و استفاده از آن آثار بسیار شومی در وجود انسان دارد؛ قلب را تاریک و انسان را از خدا دور می‌سازد و در مسیر شیطان قرار می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۳۸) حضرت در توصیه‌ای به امام حسن علیه السلام فرمودند: «إِنَّ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ كَسْبًا مِنْ حَلَالٍ؛ از نشانه‌های انسان‌های با ایمان، انتخاب شغل حلال و درآمد مشروع است» (نامه ۳۱)، نیز فرمودند حرام، خوراک بسیار بدی است.

۴.۴. نقش عبادت خانوادگی در تربیت دینی فرزندان

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ؛ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَّتِّهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ؛ مؤمن را سه ساعت است؛ ساعتی که در آن با پروردگارش به راز و نیاز است و ساعتی

که در آن زندگانی خود را کارساز است و ساعتی که در حلال و نیکو با لذت نفس دمساز است». (حکمت ۳۹۰)

نیز می‌فرماید: «الْفَرَائِضَ الْفَرَائِضَ أَذُوهَا إِلَى اللَّهِ تُؤَدِّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ؛ واجبات! واجبات! آن‌ها را برای خدا انجام بدهید تا خداوند شمارا به بهشت رساند». (خطبه ۱۶۷)

خطبه زیر درباره اهمیت نماز و جایگاه آن در خانواده ایراد شده است. می‌فرماید:

تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَ حَافِظُوا عَلَيْهَا وَ اسْتَكْثِرُوا مِنْهَا وَ تَقَرَّبُوا بِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا أَلَّا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سِئَلُوا مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ إِنَّهَا لَتَحْتُ الذُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ وَ تُطْلَقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبِّ وَ شَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْحِمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ؛ جریان نماز را نیکو بررسی کنید، در پاسداریش بکوشید، فراوان از این بهره‌گیرید و بدان خویش را به خدا نزدیک کنید که نماز مؤمنان را با زمان بندی، رقم خورده است. مگر شما نشنیده‌اید که اهل آتش در پاسخ این پرسش که کدامین گناه به دوزختان افکنده است، پیش از هر چیزی می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم»، آری نماز گناهانتان را چون برگ فرومی‌ریزد و آنچه را که همانند بندی به دست و پاهای انسان پیچیده است، می‌گشاید. (خطبه ۱۹۹)

صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَلَتْهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَ لَاتَعْجَلْ وَقْتَهَا لِفَرَغٍ وَ لَأَتُوخَرُّهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاشْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ. (نامه ۲۷)

هر نمازی را در وقت خاصش که مقرر شده است به جای آور، نه اینکه در داشتن وقت آزاد، نماز را زودتر از وقتش بگذاری و به دلیل درگیری‌های دیگر، نمازی را از زمان ویژه‌اش به تأخیر مینداز و بدان که هر کار دیگری در ارزش، تابع نماز خواهد بود.



امام علی علیه السلام فرمودند: «لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ فَإِنَّ يَكُنْ أَهْلَكَ وَوَلَدَكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَوْلِيَاءَهُ وَ إِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَمَا هُمَّكَ وَ شُغْلَكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ؛ بسیار دربند زن و فرزندت مباش که اگر زن و فرزند تو از اولیای خدا باشند، بی گمان خداوند دوستانش را ضایع ننماید و اگر دشمنان خدا باشند، تو را اندیشیدن و پرداختن به دشمنان خدا چرا باید؟! (حکمت ۳۵۲)

همان طور که پیش تر آورده شد، پدر و مادر در برابر تربیت فرزندان خود مسئول‌اند و در این باره باید به حدی بکوشند، لیکن این بدان معنا نیست که انسان به افراط بگیرد و چنان عمر خویش را صرف خانواده‌اش کند که از اهداف زندگی عقب بیفتد و دامن خود را به گناه بیالاید. (نامه ۳۵)

حضرت علی علیه السلام در توصیه به کمیل فرمودند: «يَا كَمِيلُ مَرُّ أَهْلِكَ أَنْ يَرُوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ وَ يَدْلِجُوا فِي حَاجَةِ مَنْ هُوَ نَائِمٌ فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَصْوَاتَ مَا مِنْ أَحَدٍ أَوْدَعَ قَلْبًا سُرُورًا إِلَّا وَ خَلَقَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ لُطْفًا فَإِذَا نَزَلَتْ بِهِ نَائِبَةٌ جَرَى إِلَيْهَا كَالْمَاءِ فِي أَنْجِدَارِهِ حَتَّى يَطْرُدَهَا عَنْهُ كَمَا تُطْرَدُ غَرِيبَةٌ الْأَبْلِ؛ ای کمیل وابستگیات را فرمان ده که در کسب ارزش‌های والای اخلاقی بکوشند و به‌ویژه در دل سیاه شب در پاسخ به نیاز نیازمندان که خفته‌اند، بشتابند. سوگند به کسی که هر آواز را می‌شنود، هر که دلی را شادمان سازد، خداوند برای او لطفی آفریند و چون مصیبتی به او رسد، آن لطف چون آبی به‌سوی او سرازیر شود تا آن مصیبت را ببرد و دور گردد، آن انسان که شتر غریب را از چراگاه می‌راند. (حکمت ۲۵۷۷)

۴.۵. نقش وراثت خانوادگی در تربیت دینی فرزندان

وراثت بستری است که خوبی‌ها و رفتارهای آدمی را سامان می‌دهد، بی‌شک شرافت وراثت در تربیت تأثیر می‌گذارد. از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل شده است: «أَطْهَرُ النَّاسِ أَعْرَاقًا أَحْسَنُهُمْ اخْلَاقًا؛ نیکوترین مردمان از نظر اخلاق، پاک‌ترین مردمان از نظر اصل و ریشه و وراثت هستند.» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲)

همچنین فرموده‌اند: «إِنَّ مُوسَاءَ الرَّفَاقِ مِنَ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ؛ به‌درستی مواسات با دوستان و یکسان‌گرفتن خود با آنان از نیکویی اصل و ریشه و وراثت است». (همان: ۴۹۳)

بنابراین وراثت عامل مهمی در تربیت است و باید مورد توجه قرار گیرد. در این مورد امام علی علیه السلام نقش وراثت را نقشی جدی در خلیقات و رفتارهای آدمی معرفی کرده و فرموده است: «إِذَا كَرَّمَ أَصْلَ الرَّجُلِ كَرَّمَ مَعْبُوءَهُ وَمَحْضَرَّهُ؛ وقتی اصل و ریشه انسان خوب و شریف باشد، نهان و آشکارش خوب شریف است». (همان، ج ۳: ۱۸۸)

۴.۶. نقش محیط خانوادگی در تربیت دینی فرزندان

پیوندهای عاطفی خانوادگی و مناسبات انسانی در خانه، خود بهترین زمینه رشد و تعالی آدمی است و هیچ‌کس از چنین پیوندها و مناسبتی بی‌نیاز نیست. به بیان امیرالمؤمنین علیه السلام:

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنِ عِتْرَتِهِ، وَدِفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَالْأَسْيَبِيَّتِهِمْ، وَهُمْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَيْطَةً مِنْ وَرَائِهِ، أَلَمْ تُهُمْ لَشِعْثِهِ، وَأَعْظَفُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَازِلِهِ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ؛ ای مردم! انسان اگر چند مالدار باشد از خویشان خود بی‌نیاز نیست تا با دست و زبان از او دفاع کنند، زیرا خویشان و کسان آدمی، بزرگ‌ترین و نزدیک‌ترین حامیان او هنگام رسیدن بلا بوده و از دیگران مهربان‌ترند. (خطبه ۲۳)

۵. محیط اجتماعی

امام علی علیه السلام در موقع گوناگون به تأثیر تربیتی محیط اجتماع پرداخته و اهمیت نقش آن را در سازندگی شخصیت فرد یادآور شده است. ایشان در نامه خود به حارث حمدانی برای انتخاب محیط زندگی خوب فرموده است: «وَأَسْكَنْ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ، فَإِنَّهَا جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ أَحَدَرُ مَنَازِلِ الْغَفْلَةِ وَالْجَفَاءِ وَقَلَّةِ الْأَعْوَانِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ در شهرهای بزرگ سکونت کن که جایگاه فراهم آمدن مسلمانان

است و پرهیز از جاهایی که در آن از یاد خدا غافل اند و آنجا که به یکدیگر ستم می‌رانند و بر اطاعت خدا کمتر یاوران‌اند. (نامه ۶۹)

امام علی علیه السلام به نوع روابط اجتماعی و تأثیر مناسبات حاصل از آن توجه داده و نقش تربیتی آن را آن قدر مهم معرفی کرده است به گونه‌ای که به حارث همدانی فرموده است: «وَأَيَّكَ وَ مَقَاعِدَ الْأَسْوَاقِ فَإِنَّ مَحَاضِرَ الشَّيْطَانِ وَ مَعَارِضُ الْفِتَنِ؛ مبادا بر سر بازارها بنشینی که جای حاضر شدن شیطان است و نمایشگاه فتنه و طغیان است. (نامه ۶۹)

۵. ۱. دوستان و همسالان

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ؛ انسان بر همان دینی است که دوست و رفیقش دارد». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷۵)

همچنین در توصیه به محمد حنفیه می‌فرمایند: «فرزندم! از بهترین بهره‌های انسان، دوست و همنشین صالح است؛ با نیکوکاران هم‌نشین شو تا از آنان باشی و از بدکاران و اهل شر و کسالی که به واسطه کارهای باطل و سخنان مهیج و ساختگی، تو را از یاد خدا و مرگ بازمی‌دارد، دوری کن تا از آنان نباشی». (حکمت ۳۸) آن‌گاه هشدار می‌دهد که با این افراد دوست نباش و از آن‌ها دوری کن؛

إِيَّاكَ وَ الْمُصَادَقَةَ الْأَاحِمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ أَيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ؛ بر حذر باش از دوستی با احمق که می‌خواهد به تو منفعت کند، اما زیان می‌رساند؛ از دوستی با بخیل پرهیز زیرا هنگام شدیدترین حاجت و نیازمندی تو را ترک می‌گوید. (حکمت ۳۸)

إِيَّاكَ وَ الْمُصَادَقَةَ الْأَفْجَرِ إِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّائِقَةِ، إِيَّاكَ وَ الْمُصَادَقَةَ الْكُذَّابِ إِنَّهُ كَالشَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ؛ بر حذر باش! از دوستی با انسان فاسد و جنایتکار که تو را به چیز کمی می‌فروشد. بر حذر باش! از دوستی با

دروغگو، چراکه او مانند سراب است، دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را در نظر تو دور جلوه می‌دهد. (همان)

امام علی علیه السلام معیار انتخاب دوستان صالح را چنین بیان می‌فرماید:

قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ، وَ بَايِنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنَ عَنْهُمْ؛ به نیکوکاران نزدیک باش که از آنان خواهی شد و از اهل شر و بدی دوری کن تا از آن‌ها برکنار باشی. (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱: ۵۴۰)

۵. ۲. استاد و آموزگار

حضرت علی علیه السلام نسبت به نقش استاد در تربیت انسان به بیان ویژگی‌های آموزگار الهی خود، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پردازد و اهمیت و ارزش آموزش‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را چنین بیان می‌دارد: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتَّبَعُ الْفَضِيلَ أَكْثَرَ أُمِّهِ يَرْفَعُ بِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمَاءَ وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ؛ من هم چون سایه‌ای به دنبال آموزگارم رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت می‌کردم و آن بزرگ پیامبر هر روز نکته تازه‌ای از اخلاق نیک را برای من آشکار می‌ساخت و مرا فرمان می‌داد که به او اقتدا نمایم. (خطبه ۱۹۲)

بعد از بیان عوامل اکنون به موانع تربیت اشاره می‌شود.

۶. موانع تربیت دینی

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه در کنار بیان عوامل مؤثر در تربیت دینی به بیان موانع تربیت دینی نیز اشاره کرده است که در ادامه مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶. ۱. حب دنیا

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَاكَ وَ حُبَّ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا أَصْلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مَعْدِنِ كُلِّ بَلِيَّةٍ؛ به توست دوری از دوستی دنیا پس به درستی که دنیا اصل و رشته هر گناهی و جایگاه اقامت هر بلایی است». (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۵۰)

امام دل‌بستگی دنیا را سبب همه گناهان معرفی کرده است، فرموده است که: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ دوستی دنیا سرآغاز همه خطاها است». (همان، ج ۳: ۳۹۵)

در دیدگاه امام علی علیه السلام دوستی دنیا خود بزرگ‌ترین اشتباه آدمی و دروازه ورود به همه بدی‌ها و زشتی‌ها است؛ «أَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا؛ بزرگ‌ترین خطاها دوستی دنیا است». (همان، ج ۲: ۲۹۵)

و نیز می‌فرماید: «مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يُعْصَى إِلَّا فِيهَا وَ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِتَرْكِهَا؛ در خواری دنیا نزد خدا همین بس که جز در دنیا نافرمانی او نکنند و جز با آن‌ها دنیا به پاداشی که نزد خدا است نرسد». (حکمت ۳۸۵)

دنیای نکوهیده، مانع اصلی رسیدن آدمی به کمالات انسانی و ارزش‌های الهی یا پاداش‌های اخروی است و جز با ترک آن نمی‌توان به حقیقت خود روکرد و مربی تربیت دینی شد.

۲.۶. غفلت

غفلت یکی از موانع فردی در تربیت دینی است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قَدْ غَابَ عَنْ قُلُوبِكُمْ ذِكْرُ الْأَجَالِ وَ حَضَرَتْكُمْ كَوَادِبُ الْأَمَالِ فَصَارَتْ الدُّنْيَا أُمَّلَكَ بِكُمْ مِنَ الْآخِرَةِ وَ الْعَاجِلَةُ أَذْهَبَ بِكُمْ مِنَ الْآجِلَةِ؛ یاد مرگ از دل شما رخت بر بسته و آرزوهای دروغین شما را در برگرفته تا آنجا که دنیا پیش از آخرت مالک شما گشته». (خطبه ۱۱۳)

غفلت به سه معنی است؛ یکی آن است که ما آدمیان از عواقب کارهای خودمان بی‌خبریم. دوم آنکه ما چنان گرم کار هستیم که به امور بیرون از کارمان توجه نداریم و آن‌ها برایمان جدی نیست. سوم آنکه شوق ما به آن کاری که گرفتارش هستیم، عیب آن کار را بر ما پوشیده می‌دارد؛ پس ما به هر سه معنا در این عالم گرفتار غفلت هستیم.

۳.۶. طمع و حرص

طمع، همچون غل و زنجیری است که انسان را در ذلت اسارت نگاه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد آدمی در جهت نجات و رستگاری خویش گام بردارد و چنان اسیر حریص و طمع می‌شود و به‌جایی می‌رسد که اراده خود را از دست بدهد. (مکارم شیرازی، ج ۱۴: ۸۵۶)

به بیان امام علی علیه السلام: «الطَّمَعُ فِي وَثَاقِ الدُّلِّ؛ طمع‌کار در چنگال خواری است». (حکمت ۲۲۶)

طمع خود عین خواری و مانع تربیت حقیقی آدمی است. امام علی علیه السلام در توصیه مهم خویش خطاب به فرزندش می‌فرماید: بپرهیز از اینکه مرکب‌های طمع، تو را با سرعت با خود ببرند و به آب‌شور دهان به هلاکت بیندازد؛ وَإِيَّاكَ أَنْ تُوجِفَ بِكَ مَطَايَا الطَّمَعِ فُتُورِدَكَ مَنَاهِلَ الْهَلَاكَةِ». (نامه ۳۱)

امام علیه السلام طمع را به مرکب‌های سرکش تشبیه کرده است که اگر انسان بر آن سوار شود اختیار را از او ربوده و او را به پرتگاه می‌کشانند. در حقیقت انسان به سراغ آب‌شخور برای سیراب شدن می‌رود و به آب‌شخوری که با مرکب طمع به آن وارد می‌شود نه تنها سیراب نمی‌شود، بلکه آبی نیست و به جای آن هلاکت نصیبش می‌شود.

۴.۶. ترک امر به معروف و نهی از منکر

ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی از موانع تربیت دینی است و ترک آن موجب عدم تحقق دین در عینیت جامعه می‌شود. ترک امر به معروف و نهی از منکر یعنی عدم ایفای نظارت اجتماعی از سوی جامعه. امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت از وحدت اجتماعی است، چرا که وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. اولین وظیفه اجتماعی انبیای الهی امر به معروف و نهی از منکر است. (دست‌رنج، ۱۳۹۰: ۱۳۳)

نتیجه گیری

نهج البلاغه کتابی است که با توجه به ابعاد وجودی انسان، شفای دردهای روحی بشر بوده و تنها راه هدایت و تربیت انسان‌ها را بیان نموده است. نهج البلاغه کتابی است که برای تعلیم و تربیت انسان‌ها، عالی‌ترین معارف را بیان نموده است.

با توجه به تحلیل کلمات گوهر بار حضرت علی علیه السلام در خصوص تربیت دینی به این حقیقت دست می‌یابیم که تربیت دینی طی مسیر برای رسیدن به بندگی و قرب الهی و رسیدن به سعادت حقیقی در دنیا و آخرت است که عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی تربیت را در این پژوهش از دیدگاه نهج البلاغه به دست آوردیم. مهم‌ترین عوامل تربیت دینی که بر همه موارد تربیت دینی غلبه دارد مهم‌ترین عوامل برای رسیدن به این مقام عالی خودشناسی است. نتیجه خودشناسی شناخت خداوند متعال است. مهم‌ترین موانع تربیت دینی از دیدگاه نهج البلاغه دنیا و دلبستگی به آن و ترک امر به معروف و نهی از منکر است.

انسان می‌تواند موقعیت خود را در جهان آفرینش درک کند و با جهان‌شناسی الهی آشنایی پیدا کند، در نتیجه می‌تواند وظیفه خود را در برابر خدا، خود و هم‌نوعان خویش تشخیص دهد و با توجه به ارزش‌های معنوی و نیز الهام از تعالیم انسان الهی حضرت علی علیه السلام به عوامل رسیدن به قرب الهی و نیز موانع آن دست پیدا کند و شخصیت خود را بر اساس این تعالیم ساخته و به سوی رشد و تکامل سوق دهد.

منابع و مأخذ:

قرآن حکیم (ترجمه مکارم شیرازی)

نهج البلاغه (ترجمه فیض الاسلام)

- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۴۱۸ق)، معجم المقاییس فی اللغة، بیروت:

نشر دارالفکر.

- احسانی، محمد (۱۳۸۷)، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، ج ۱، قم: دفتر عقل.
- _____ (۱۳۸۷)، تربیت دینی خانواده، مجله معرفت، ش ۲۳.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰)، چستی تربیت دینی، تهران: تربیت اسلامی.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۳۷۵)، شرح نهج البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی و محمد سرودی مجد، ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بحرانی، حسن بن علی حسین بن شعبه (۱۳۹۰)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تصحیح علی‌اکبر غفاری و بهراد جعفری، ج ۱۲، قم: انتشارات کتابچی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، ج ۴، تهران: انتشارات دریا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۵)، الحیة، ترجمه احمد آرام، ج ۷، قم: انتشارات دلیل ما.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰)، شرح غرر الحکم و درالکلم، ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دست رنج، فاطمه (۱۳۹۰)، موانع رویکرد دینی از دیدگاه نهج البلاغه، ج ۱، قم: طلوع سبز.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷)، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، تهران: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر.
- شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۶)، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغه، ج ۷، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- صدوق قمی، محمد بن علی الحسین بن بابویه (۱۳۸۶)، علل الشرایع، ج ۱، قم: کتابفروشی داوری.

- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، محقق و مصحح: سید احمد حسینی، ج ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- فلسفی، محمد تقی (۱۳۸۵)، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)، مفردات نهج البلاغه، ترجمه محمد حسن بکائی، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر قبله.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، البحار الانوار الجامعة لعلوم الائمه الاطهار، ج ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۰۵-۱۴۰۳ق)، میزان الحکمه، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، تعلیم و تربیت در اسلام، ج ۴۵، تهران: انتشارات صدرا.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۲)، المنجد، ترجمه محمد بندر ریگی، ج ۴، تهران: هاتف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام؛ شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، بیروت: مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.